

Investigating the Factors Affecting Parenting Style: A Qualitative Research

Naseri Fadafan M¹, *Nouhi Sh², Aghaei H², Sabouri MS³

Author Address

1. PhD Student in Psychology, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran;
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran;
3. Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education Engineering, Garmas Branch, Islamic Azad University, Garmas, Iran.
Corresponding Author Email: Psynut.sh@shahrood.ac.ir

Received: 2022 November 20; Accepted: 2023 January 7

Abstract

Background & Objectives: The family is the first and most important institution in human history and civilization, and it is the most suitable platform for finding human capabilities, talents, and abilities, which play an essential role in the formation of human personality. The type and method of education with the parenting style are among the main elements with its dynamic and influential processes within the family. The effects and consequences of parenting style have been considered on children's mental health and social behavior. Parenting styles are influenced by cultural, social, political, economic, and other factors. It seems that the emotional aspects of parent-child relationships play an important role in shaping children's behaviors and social views. Also, the parenting style can significantly influence children's social acceptance process. So, this research aims to investigate the influencing factors on parenting style using qualitative research method.

Methods: The present study was a qualitative type of foundational data theory. The statistical population of the current research comprises parents with primary school children studying in the academic year 2019–2020 who met the conditions for participation in the study. The parents who are not divorced or about to divorce and volunteered to participate in the research were invited to participate in the interview. The sampling method was purposeful and selected from the list of parents willing to cooperate. Then the parents were contacted, and a semi-structured and interactive interview was conducted randomly with the parents who were willing to cooperate. Sampling continued until the data saturation, and no new information was obtained during the interviews. The data were collected through in-depth and semi-structured interviews in schools. The duration of each interview varied from 45 to 60 minutes, depending on the conditions of the participants. During the interview, the conversations were recorded with the permission of the interviewees to check the information carefully. After interviewing 8 parents (5 mothers and 3 fathers), theoretical saturation was obtained. Among the ethical considerations observed were voluntary participation, assuring parents about the confidentiality of their conversations, and deleting audio files after writing them down. Strauss and Corbin's objectivist approach (2008) was used to inductively analyze the data, and micro-analysis was carried out at three levels: open coding, axial coding, and selective coding.

Result: During this research, 12 themes, each of which contains several sub-themes, were extracted. The core codes are parents' perceived parenting style, parents' religious orientation, marital conflicts, relatives' involvement, parents' responsiveness, father's role, economic conditions, childhood injuries, personality traits, physical problems, guilt, and parental expectations.

Conclusion: Various factors affect the parenting style of parents. These factors sometimes have a positive and sometimes a negative effect. Therefore, knowing and understanding them can improve the parenting style of parents.

Keywords: Parenting, Qualitative research, Family.

شناخت عوامل تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری: یک پژوهش کیفی

ملکه ناصری فدافتان^۱, *شهناز نوحی^۲, حکیمه آفایی^۲, محمدصادق صبوری^۳

توضیحات نویسنگان

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، واحد شاهروود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهروود، ایران:

۲. استادیار گروه روانشناسی، واحد شاهروود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهروود، ایران:

۳. دانشیار گروه آورزشی مهندسی تربیت و آموزش کشاورزی، واحد گرمزار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمزار، ایران:

*ربابامه نویسنده مسئول: Psynut.sh@shahrood.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۹ آبان ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۷ دی ۱۴۰۱

چکیده

زمینه و هدف: نوع و شیوه تربیتی با سبک فرزندپروری والدین، از عناصر اصلی و فرایندهای پویا و تأثیرگذار درون خانواده به شمار می‌رود که آثار و تبعات آن بر سلامت روانی و رفتار اجتماعی فرزندان مدنظر قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر، شناخت عوامل تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری به روش پژوهش کیفی بود.

روش پژوهشی: روش پژوهش، کیفی از نوع نظریه داده‌بنیاد بود. این پژوهش با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختمانی و نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفت. جامعه مطالعه شده پژوهش حاضر را والدین دارای کودک دبستانی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند که شرایط حضور در مطالعه را داشتند. هشت مادر دارای کودک ۱۲ تا ۱۶ ساله ساکن در شهر شاهروود، دیدگاه‌های خود را درباره عوامل تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری به بحث گذاشتند. مکالمات ضبط و سپس با استفاده از روش‌های کدگذاری باز و بسته و انتخابی تحلیل شد. به منظور تحلیل استقرایی داده‌ها، رویکرد عینی‌گرای استراوس و کوربین (۲۰۰۸) به کار رفت.

یافته‌ها: طی این پژوهش، دوازده مضمون استخراج شد. کدهای محوری شامل سبک فرزندپروری ادراک‌شده والدین، جهت‌گیری مذهبی والدین، تعارضات زناشویی، دخالت اقوام، پاسخ‌دهی والدین، نقش پدر، شرایط اقتصادی، آسیب‌های دوران کودکی، ویژگی‌های شخصیتی، مشکلات جسمی، احساسات گناه و انتظارات والدین بود.

نتیجه‌گیری: عوامل مختلفی بر سبک فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد. این عوامل گاهی تأثیر مثبت و گاهی تأثیر منفی دارد؛ بنابراین شناخت و فهم آن‌ها می‌تواند موجب بهبود هرچه بیشتر سبک فرزندپروری والدین شود.

کلیدواژه‌ها: فرزندپروری، تحقیق کیفی، خانواده.

۱ مقدمه

می‌کنند؛ درحالی‌که والدین دل‌بسته‌ایمن به سبک فرزندپروری مقتردانه تمایل دارند^(۹). همچنین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر رفتار و شناخت و احساسات افراد تأثیر می‌گذارد^(۱۰). گوروستیاگا و همکاران دریافتند، گرمی والدین، کنترل رفتاری و اعطای خودمختاری با عالم درونی در نوجوانان رابطه معکوس دارد. بر عکس، کنترل روان‌شناختی و کنترل شدید والدین با اضطراب و افسردگی و افکار خودکشی نوجوانان دارای ارتباط مثبت است^(۱۱). عابدینی بلترک و میرشمی به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌های فرزندپروری با سلامت روان و مشکلات روان‌شناختی همبستگی وجود دارد^(۷).

میشرا و کایران در پژوهش خود دریافتند، ابعاد سلامت روان (افسردگی، اضطراب...) می‌تواند بر نوع سبک فرزندپروری والدین تأثیرگذار باشد^(۱۷). برایانت و همکاران در پژوهشی بر ۴۱۱ نفر از پناهندگان استرالیا مشخص کردند، والدینی که دچار اختلال استرس پس از سانحه هستند، در سبک فرزندپروری سختگیر نمره بیشتری به دست می‌آورند^(۱۸). ملتنت و همکاران در تحقیق خود نشان دادند، بین خلاقیت عاطفی والدین و سبک فرزندپروری رابطه معناداری وجود دارد^(۱۹). ژانگ و همکاران دریافتند، والدین مقترن درحالی‌که روش‌های کنترلی را بر فرزندان خود اعمال می‌کنند، درباره انجام آن توضیح می‌دهند و روش‌های تقویتی را برای تغییر رفتار کودکان خود به کار می‌برند؛ بهمین دلیل با بهکاربردن شیوه فرزندپروری مقتردانه، سلامت روان ارتقا و بهبود می‌یابد^(۲۰). زارع‌نژاد و بلاغت نیز در پژوهشی نشان دادند، تیپ شخصیتی والدین با سبک فرزندپروری آنان رابطه دارد^(۲۱).

در تحقیقات قبلی ارتباط بین والدین و سازگاری نوجوانان به خوبی ثابت شده است؛ اما توجه کمی به شناسایی و درک فرایندها و عوامل مؤثر در توسعه فرزندپروری، صورت گرفته است. با توجه به مطالب مذکور و اینکه اکثر تحقیقات در حوزه فرزندپروری از طریق روش‌های تحقیق کمی انجام شده است، شیوه‌های فرزندپروری والدین و عوامل مؤثر در آن از موضوعات کلیدی پژوهش بود که شناخت این عوامل تأثیرگذار بر سبک‌های فرزندپروری به شناخت هرچه بیشتر خانواده‌ها و تأثیرپذیری آن‌ها از این عوامل منجر می‌شود. اگر این عوامل شناسایی نشود، ممکن است مشکلات بسیاری برای فرزندان خانواده‌ها به وجود آید که جبران آن‌ها غیرممکن باشد؛ از این‌رو به نظر می‌رسد پژوهش‌های کیفی باید مطالعات کمی را تکمیل کنند تا مطلب مربوط به حوزه فرزندپروری عمیق‌تر فهمیده شود. به منظور بدست آوردن اطلاعات در این زمینه باید روش‌های مناسب و عمقی‌نگر کیفی به کار رود. بدین لحاظ به‌منظور دستیابی به اطلاعات گسترده‌بومی از پژوهش‌های استفاده شد. این روش از تجربه‌های جهان واقعی به‌سوی تعریف مفاهیم و ایجاد روابط علی‌حرکت می‌کند که این رهیافت اجازه می‌دهد دامنه وسیعی از داده‌ها تهیه شود. با توجه به آنچه بیان شد، هدف از انجام این پژوهش، شناسایی عوامل مؤثر بر سبک فرزندپروری والدین بود.

اولین محیط و سیستمی که کودک با آن مواجه می‌شود، خانواده است^(۱). کودک تصورات اولیه درباره جهان هستی را در خانواده می‌آموزد و مراحل رشد جسمانی و روانی و اجتماعی را در محیط خانواده طی می‌کند^(۲). رشد کودک در تمامی جنبه‌ها باید از سوی اعضای خانواده به‌رسمیت شناخته شود^(۳). هر خانواده بهنوبه خود دارای سبک فرزندپروری^(۲) به خصوصی است که این سبک تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد^(۴،۵). سبک‌های فرزندپروری که به‌طورکلی به عنوان رویکردها و باورها و رفتارهای والدین تعريف می‌شوند، لحن عاطفی رابطه والد-کودک را تعیین می‌کنند^(۶). فرزندپروری و تربیت کودکان از ظایف بسیار مهمی است که والدین بر عهده دارند. وظیفه آن‌ها سازندگی، آفرینندگی و سازمان‌دادن فرزند درجهت رسیدن به انسانی متحرک و مؤثر است تا برای بقای وجود، صیانت نفس و انجام وظایف والدینی و اجتماعی آماده شود. شیوه‌های فرزندپروری باید با درنظرگرفتن اصول و قوانین مشخص شده باشد تا مشکلات حل‌شده‌ای را با گذشت زمان برای فرزند به وجود نیاورد^(۷). فرزندپروری رفتارهایی است که در ارتباط با یکدیگر بر چگونگی رشد کودک در همه ابعاد تأثیر می‌گذارند^(۸).

با مریند (۱۹۶۷، ۱۹۷۸، ۱۹۹۱) والدین را براساس دو بعد پاسخ‌گویی^(۳) و تقاضا^(۴) طبقه‌بندی کرد و سه نوع مختلف از سبک‌های فرزندپروری را تعريف نمود: سبک مقتردانه^(۵) با پاسخ‌گویی و تقاضای زیاد؛ سبک استبدادی^(۶) با پاسخ‌گویی کم و تقاضای زیاد؛ سبک سهل‌گیرانه^(۷) با پاسخ‌گویی زیاد و تقاضای کم (به‌نقل از)^(۹). تقاضا و توقع داشتن، سطحی از کنترل است که والدین بر فرزندان خود اعمال می‌دارند^(۱۰). والدین در این بعد به‌وسیله داشتن تقاضای مناسب و وضع مقررات و قوانین به یکپارچگی خانواده کمک می‌کنند^(۱۱). پاسخ‌گویی شامل گرمی و عواطف مثبتی است که از طرف والدین به فرزندان نشان داده می‌شود^(۱۰). این جنبه از فرزندپروری به ایجاد احساس حمایت در عین استقلال‌دادن به آن‌ها اشاره دارد^(۱۲).

سبک‌های فرزندپروری متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره است^(۱۲). همچنین به‌نظر می‌رسد، سبک فرزندپروری براساس سبک یادگیری خود والدین که در دوره کودکی از آن متأثر بوده‌اند و نیز باورها و ارزش‌های آن‌ها، شکل می‌گیرد^(۱۳). سبک‌های فرزندپروری ذکر کرده‌اند. رفاهی و ظاهری در پژوهشی به بررسی پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری مادران براساس طرح‌واره‌های اولیه و سبک‌های دل‌بستگی آنان پرداختند. آن‌ها نتیجه گرفتند، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با سبک آسان‌گیر و استبدادی رابطه مثبت و معناداری دارد^(۱۲). همچنین طرح‌واره‌های طرد و گوش به‌زنگی می‌توانند سبک فرزندپروری مقتردانه را پیش‌بینی کنند^(۱۴). دولینتا و ماریا در پژوهشی نشان دادند، والدین دل‌بسته نایمن برای پرورش فرزندان خود سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه را انتخاب

^۵. Authoritative style

^۶. Authoritarian style

^۷. Permissive style

^۱. Family

^۲. Parenting style

^۳. Responsiveness

^۴. Demand

۲ روش بررسی

که البته بعضی از سؤال‌ها در حین جمع‌آوری اطلاعات تغییر یافت و کامل‌تر شد. سؤالات طوری طراحی شد تا با پاسخ‌گویی بتوان به مسائلی چون عوامل تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری والدین، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها پاسخ گرفت. بین هر مصاحبه فاصله زمانی کافی وجود داشت تا در این فاصله، بتوان مصاحبه‌ها را نوشت و تحلیل و کدگذاری کرد. نویسنده اول ابتدا به صورت دقیق چندین بار متن مصاحبه‌ها را به‌طور کامل خواند. این امر منجر شد که او نمایی کلی از متن کامل و منطق کلی مصاحبه داشته باشد. در این مسیر، وی سعی کرد در داده‌ها غوطه‌ور شود و فهمی کلی از داده‌ها کسب کند. وقته سه یا چهار مرتبه متن مصاحبه‌ها خوانده شد، نویسنده اول فرایند کدگذاری را شروع کرد. شروع کدگذاری توسط کدگذاری باز صورت گرفت؛ اما به‌طور کلی از دو نوع کدگذاری باز و محوری باهم استفاده شد. برای اطمینان از قابلیت اعتقادپذیری داده‌ها نویسنده اول از روش مثلث‌سازی استفاده کرد؛ یعنی زمانی که داده‌ها از مصاحبه‌ها استخراج شد و کدگذاری انجام گرفت، وی برای اطمینان، نتایج به‌دست آمده را با متخصصان در حوزه فرزندپروری در میان گذاشت و به پیشینه پژوهش‌های موجود در حوزه فرزندپروری نیز مراجعه کرد.

پس از اطمینان از قابلیت اعتقادپذیری داده‌ها، هر چند مفهوم در قالب یک مضمون قرار گرفت تا دوازده مضمون سطح دوم در این پژوهش به‌دست آمد. از میان این دوازده مضمون، آن مضمونی که بر تمامی مضمون‌ها تأثیر داشت، به عنوان مضمون مرکزی انتخاب شد و در کتاب موادر دیگر، اجزای نظریه گراند به‌دست آمده از پژوهش را تشکیل دادند.

۳ یافته‌ها

در جدول ۱ ویژگی‌های دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان آورده شده است.

روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع نظریه داده‌بنیاد بود. مشارکت‌کنندگان پژوهش را والدین دارای کودک دبستانی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۹۹ تشکیل دادند که شرایط حضور در مطالعه را داشتند؛ یعنی از والدین داوطلب شرکت در تحقیق که مطلقه یا در شرف طلاق نبودند، دعوت شد در مصاحبه حضور داشته باشند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود و از روی فهرست، والدین حاضر به همکاری انتخاب شدند. سپس با والدین تماس گرفته شد و با والدین مایل به همکاری، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تعاملی صورت گرفت. نمونه‌گیری تاحد اشباع مضمون یعنی تا آنچاکه در جریان مصاحبه‌ها هیچ اطلاعات جدیدی به‌دست نیاید، ادامه یافت. داده‌ها با روش مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته در مدارس جمع‌آوری شد. مدت زمان هر مصاحبه بسته به شرایط شرکت‌کنندگان از ۴۵ تا ۶۰ دقیقه متغیر بود. در طول مصاحبه، مکالمات با اجازه مصاحبه‌شوندگان به‌منظور بررسی دقیق اطلاعات ضبط شد. فرایند مصاحبه تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت. اشباع نظری پس از مصاحبه با هشت نفر از والدین (پنج مادر و سه پدر) به‌دست آمد. از جمله ملاحظات اخلاقی رعایت‌شده مشارکت داوطلبانه، رازداری، دادن اطمینان خاطر به والدین درباره محروم‌ماندن صحبت‌های آنان و حذف فایل‌های صوتی پس از پیاده‌شدن روی کاغذ بود. به‌منظور تحلیل استقرایی داده‌ها، رویکرد عینی‌گرای استراوس و کوربین به کار رفت که تحلیل خُرد در سه سطح کدگذاری باز و کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام پذیرفت.

(۲۲).

برای انجام مصاحبه‌ها سؤال‌های نیمه‌ساختاریافته یا سؤال‌های با انعطاف‌پذیری متوسط طراحی شد. سعی بر آن بود پاسخ‌های واقعی مصاحبه‌شونده بیشتر کاوش شود تا مسیر پژوهشی مطرح شده از جانب مصاحبه‌شونده؛ بنابراین، از تمامی افراد سؤال‌های مشابهی پرسیده شد

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام مستعار	تعداد فرزندان	وضعیت شغلی	سن
۱	مریم	۲	خانه‌دار	۴۵
۲	زهره	۲	خانه‌دار	۴۴
۳	فاطمه	۲	شاغل	۳۷
۴	اکرم	۳	خانه‌دار	۴۹
۵	سمیه	۱	خانه‌دار	۳۲
۶	علی	۱	شاغل	۳۳
۷	مهندی	۲	شاغل	۴۸
۸	حسین	۲	شاغل	۴۰

موضوع مشخص شد. سپس بهشیوه مقایسه مدام از دل چندین کد یک مضمون استخراج گردید و به همین شیوه سایر کدها نیز به مفاهیم تبدیل شدند تا درنهایت دوازده مضمون به‌دست آمد. کدگذاری سطح اول؛ در این گام، به همه نکات کلیدی و مهم مصاحبه‌ها برچسب‌های مفهومی (کدگذاری باز) مناسبی داده شد. سپس، آن‌ها در یک جدول قرار گرفتند. در اینجا کدگذاری باز یکی از مصاحبه‌ها آورده شده است (جدول ۲).

جدول کدگذاری باز

جدول‌های ۲ و ۳ شامل دو جدول است؛ جدول کدهای اولیه استخراجی از مصاحبه‌ها (مضمون سطح اول) شامل جدول ۲ و طبقه‌های استخراج شده از مفاهیم به همراه کدهای ثانویه آن‌ها (مضمون سطح دوم) شامل جدول ۳ می‌شود. نتیجه کدگذاری دو مرحله‌ای داده‌های گردآوری شده، بهشیوه‌های مختلف استخراج شد. مطابق فرایند روش‌شناختی، نخست از دل داده‌های اولیه کدهای مرتبط با

جدول ۲. کدگذاری سطح اول

ردیف	کدگذاری سطح اول مصاحبه اول
۱	پدر و مادرم سختگیر بودند.
۲	افکار و عقایدم با پدر و مادرم متفاوت بود.
۳	نوع رابطه من با والدین در زمان کودکی روی رابطه من با فرزندانم تأثیر گذاشته است.
۴	افکار خانواده خودم با خانواده همسرم خیلی فرق دارد.
۵	در خانواده من، اول تربیت مهم بود و بعد خواسته‌های کودک؛ ولی خانواده همسرم خواسته‌های کودک را ترجیح می‌دادند.
۶	نایابد به همه خواسته‌های فرزندان توجه داشت.
۷	نظر همسرم با من در تربیت فرزندان متفاوت است.
۸	پدربرزگها و مادربرزگها خیلی در تربیت ما دخالت می‌کنند.
۹	پسرم بیشتر از من (مادر) حرف‌شناوری دارد؛ برای هر کاری اول از من اجازه می‌گرفت.
۱۰	پدر و مادر خوب، پدر و مادری است که خواسته‌های فرزندش بوته برآورده کنه.
۱۱	همین که بقیه و اجتماع ازش راضی باشند، یعنی ما پدر و مادر خوبی بودیم.
۱۲	در کودکی مادر و پدر زیاد به ما بهانه نمی‌دادند.
۱۳	پسرم بیشتر اهل صحبت کردنده.
۱۴	پسرم همیشه به پدرش تذکر می‌ده که اگر مثل مامانم با هام آرام صحبت کنی، بیشتر گوش می‌دم.
۱۵	برای انجام نماز و روزه من بیشتر به پسرم تأکید می‌کنم تا پدرش.
۱۶	والدین خودم خیلی سختگیری مذهبی داشتند.
۱۷	گاهی اوقات پسرم را تنبیه کردم.
۱۸	درست و غلط رو از پدر و مادرمون یاد گرفتیم.
۱۹	پدر خیلی توانی مسائل پسرم دخالت نمی‌کنه.
۲۰	گاهی نمی‌توانیم خیلی از خواسته‌های فرزندانم را انجام دهیم؛ ولی بیشتر اوقات پسرم درک می‌کند و لجیازی نمی‌کند.

کدگذاری سطح دوم (متمرکن): در این مرحله، به علت فراوانی کدها، تقسیم‌بندی به مقولات سطح اول و دوم آورده شده است. همچنین کدهای کدگذاری‌های اولیه به کدهای ثانویه تبدیل شد و کدهای مشابه در یک طبقه قرار گرفت؛ به طوری که چند کد ثانویه به یک کد مفهومی تبدیل شد. در جدول ۳، نتایج کدگذاری باز براساس کدهای مفهومی و

جدول ۳. مفهوم‌ها و مضامین برگرفته از داده‌ها (کدگذاری سطح دوم)

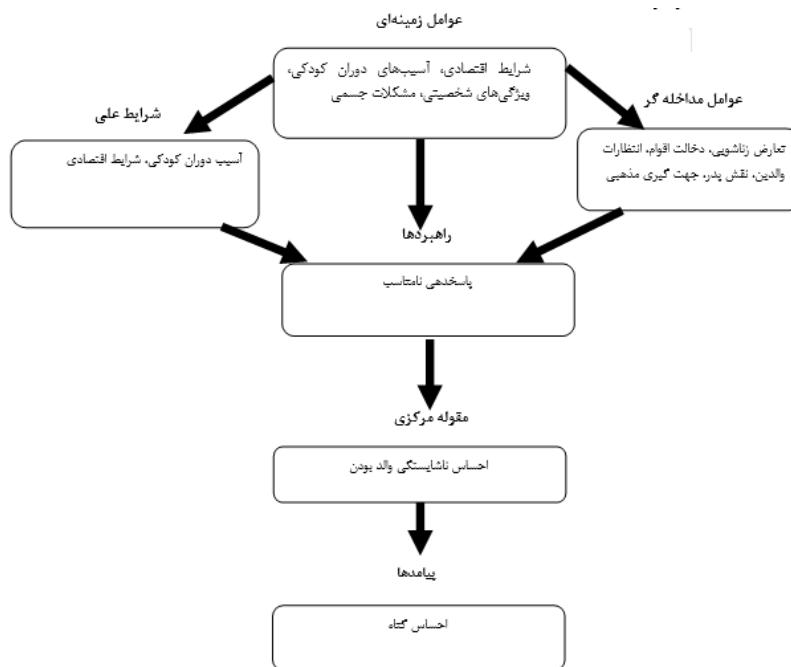
ردیف	مضمون سطح دوم	کدگذاری محوری	مضمون مرکزی
۱	پدر و مادرم سختگیر بودند.		
۲	با والدینم صمیمی نبودم.		
۳	والدینم نیازهایم را رفع می‌کردنده.		
۴	نیازهای عاطفی ما برطرف نمی‌شد.	سبک فرزندپروری	
۵	مادرم خیلی سختگیری داشت در رابطه ما.	ادرانشده والدین	
۶	من با مادرم خیلی دوست بودم و این رو به فرزندانم هم یاد دادم.		
۷	با والدینم راحت نبودم.		
۸	نوع رابطه من با والدینم در زمان کودکی روی رابطه من با فرزندانم تأثیر گذاشته است.		
۹	افکار و عقایدم از نظر مذهبی با پدر و مادرم متفاوت بود.	احساس	
۱۰	برای انجام نماز و روزه من بیشتر به پسرم تأکید می‌کنم تا پدرش.	ناشایستگی از والدین	
۱۱	والدین خودم خیلی سختگیری مذهبی داشتند.		
۱۲	بچه‌ها از اول اعمال مذهبی رو از من و پدرشان دیدند و یاد گرفتند.	جهتگیری مذهبی	
۱۳	من برخلاف مادرم فرزندانم را در امور مذهبی آزاد گذاشتند.	والدین	
۱۴	به دخترم اجبار نمی‌کنم حجاب داشته باشه.		
۱۵	دوست دارم فرزندانم آزادانه اعتقادات مذهبی را انتخاب کنند.		
۱۶	افکار خانواده خودم با خانواده همسرم خیلی فرق دارد.		
۱۷	در خانواده من اول تربیت مهم است، بعد خواسته‌های کودک؛ ولی خانواده همسرم خواسته‌های کودک را ترجیح می‌دادند.	تعارضات زناشویی	
۱۸	نظر همسرم با من در تربیت فرزندان متفاوت است.		

	وقتی با همسرم قهر هستم رفتار بچهها عوض می شود.	۱۹
	وقتی حق با همسرم نیست، خیلی عصبانی می شوم.	۲۰
	نایید به همه خواسته های فرزندان توجه داشت.	۲۱
	اجازه استفاده از گوشی و تبلت را به فرزندانم نمی دهم.	۲۲
پاسخ دهنده والدین	پدر و مادر خوب نیازهای فرزندانشان را برآورده می کنند.	۲۳
	پدر و مادر خوب باید مهربان باشد. فرزند خودشو در ک کنه.	۲۴
	پدر و مادر خوب پدر و مادریه که خواسته های فرزندشون بتونه برآورده کنه.	۲۵
	پدربریزگ ها و مادربریزگ ها خیلی در تربیت ما دخالت می کنند.	۲۶
دخالت اقوام	درست و غلط رو از پدر و مادرمون یاد گرفتیم.	۲۷
	من کلاً با مادرم کاری نداشتمن و راه خودم را در زندگی می رفتم.	۲۸
	من اصلاً دلم نمی خواست روشن والدینم را پیاده کنم.	۲۹
	پسرم بیشتر از من (مادر) حرف شنوی دارد؛ برای هر کاری اول از من اجازه می گرفت.	۳۰
	پدر خیلی توی مسائل پسرم دخالت نمی کنه.	۳۱
نقش پدر	دخترم با پدرش رابطه خوبی ندارد.	۳۲
	همسرم سختگیر است.	۳۳
	بچهها با من راحت ترند تا پدرشان.	۳۴
	گاهی نمی توانیم خیلی از خواسته های فرزندمان را انجام دهیم؛ ولی بیشتر اوقات پسرم درک می کند و لجیازی نمی کند.	۳۵
شرایط اقتصادی	به خاطر مسائل اقتصادی با همسرم به مشکل برخوردم.	۳۶
	شرایط اقتصادی باعث شده توانم تمامی نیازهای فرزندان را پاسخ دهم.	۳۷
	در شرایط بد اقتصادی دختر بزرگم با شرایط کنار می آید؛ اما دختر کوچکم بهانه می گیرد.	۳۸
	در کوکد کی مادر و پدر زیاد به ما بها نمی دادند.	۳۹
	گاهی از مادرم کنک هم می خوردم.	۴۰
آسیب های دوران	مادرم در رابطه با اعمال مذهبی خیلی سختگیری داشت.	۴۱
کودکی	وقتی بار اول پریو شدم آنقدر خجالت می کشیدم که به مادرم نگفتم.	۴۲
	بچه بودم از پدرم کنک هم خوردم.	۴۳
	مورد بی توجهی والدین قرار می گرفتم.	۴۴
	پسرم همیشه به پدرش تذکر می ده که اگر مثل مامانم با همان آرام صحبت کنی، بیشتر گوش می دم.	۴۵
	پرخاشگری ام روی رابطه با فرزندانم تأثیر داشته است.	۴۶
	من به کارهای اجتماعی علاقه دارم و آدم صبوری هستم.	۴۷
ویژگی های شخصیتی	سریع ناراحت می شوم.	۴۸
	زود گریه می کنم.	۴۹
	خیلی زود از کوره درمی رم.	۵۰
مشکلات جسمی	پسرم لکنت زبان دارد و همین موضوع باعث شد، بیشتر به او توجه کنم.	۵۱
	دختر بزرگم افتادگی پلک دارد و در مدرسه مشکل پیدا می کرد.	۵۲
	با دخترم به مشکل برخورم.	۵۳
	از استقلال پسرم می ترسم.	۵۴
احساس گناه	در رابطه با دخترم احساس گناه می کنم.	۵۵
	از دخترم فاصله گرفتم.	۵۶
	گاهی اوقات نمی توانم قبول کنم که دخترم بیست ساله شده و فکر می کنم هنوز ده ساله است.	۵۷
	فرزندم باید به بزرگتر خودش احترام بگذارد و قدردان زحمات پدر و مادرش باشه.	۵۸
انتظارات والدین	از فرزندم انتظار دارم صداقت داشته باشد.	۵۹
	فرزندم باید تمام قوانین خانه را قبول و رعایت کند تا در آینده هم بتواند به قوانین احترام بگذارد.	۶۰

در این قسمت سعی شد تا جریان اصلی تحقیق (جدول ۳) به طور بود.

خلاصه بررسی شود. در این مسیر تلاش شد تا براساس مفاهیم و ۱. یکی از مسائل، سبک فرزندپروری ادراک شده والدین است. مضامین اصلی تحقیق، خط داستان حاکم بر پژوهش ارائه شود. گاهی اوقات افراد در انتخاب نوع سبک فرزندپروری هر آنچه از پدر و موضوعات زیر بر سبک فرزندپروری افراد از جهات مختلف تأثیرگذار مادر خود به بیان دارند، به کار می بندند یا حتی بر عکس می خواهند سبکی

۶. همچنین در رابطه با فرزندپروری نمی‌توان منکر نقش پدر شد. با اینکه فرزندان بیشتر اوقات روز را با مادر می‌گذارند، حضور پدر و همسویودن پدر و مادر با یکدیگر بر رابطه والد-فرزند تأثیرگذار است؛ به طور مثال زهرا گفت: «پسرم بیشتر از من (مادر) حرف‌شنوی دارد؛ برای هر کاری اول از من اجازه می‌گرفت».
۷. مسئله مشترکی که می‌شود گفت بین تمام مصاحبه‌شوندگان وجود داشت، تأثیر شرایط بد اقتصادی بر سبک فرزندپروری بود. نبود امکانات و شرایط مالی نابسامان منجر به پاسخ‌دهی ضعیف والدین می‌شود و این موضوع می‌تواند والدین را سرخورده کند و احساس ناشایسته‌بودن به آن‌ها دست دهد؛ به طور مثال مهدی عنوان کرد: «شرایط اقتصادی باعث شده نتوانم تمامی نیازهای فرزندانم را پاسخ دهم».
۸. گاهی اوقات تنبیه‌های دوران کودکی، آسیب‌ها، بی‌توجهی‌ها و... باعث می‌شود سلامت روان فرد آن‌قدر آسیب بینند که همین موضوع به ارتباط با فرزندانش نیز آسیب بزند؛ به طور مثال حسین گفت: «بچه که بودم مورد بی‌توجهی والدین قرار می‌گرفتم و هنوز هم این موضوع مرا آزار می‌دهد».
۹. ازسوی دیگر افراد با یکدیگر متفاوت هستند و نمی‌توان انتظار داشت همه افراد در شرایط یکسان رفتاری مشابه را نشان دهند؛ زیرا ویژگی شخصیت افراد باهم متفاوت است و به‌همین دلیل نوع رابطه با فرزند نیز تفاوت دارد؛ به طور مثال زهرا گفت: «من آدم پرخاشگری هستم و پرخاشگری ام روی رابطه با فرزندانم تأثیر داشته است».
۱۰. مخالف سبک فرزندپروری والدین خود استفاده کنند؛ مانند مریم که عنوان کرد: «والدین من سخت‌گیر بودند؛ اما من دلم نمی‌خواهد با فرزندانم رفتاری سخت‌گیرانه داشته باشم».
۱۱. در برخی مواقع عقاید مذهبی، باورهای مذهبی و... نیز در سبک فرزندپروری دخالت می‌کند. ممکن است پافشاری به انجام اعمال مذهبی خود یک نوع از سخت‌گیری باشد که فرزندان را وادار می‌کنند آن‌طورکه والدین می‌خواهند رفتار کنند؛ مانند زهرا که گفت: «برای انجام اعمال مذهبی، من به پسرم تأکید می‌کنم تا پدرش».
۱۲. تعارضات زناشویی از جمله عواملی است که وقتی والدین درگیر آن هستند یا به فرزندان توجه نمی‌کنند یا به علت خشمی که درگیر آن هستند، این خشم را به فرزندان خود منتقل می‌کنند؛ حتی فرزندان ممکن است با دیدن رابطه سرد پدر و مادر احساس ناامنی کنند؛ مانند اکرم که گفت: «وقتی با همسرم قهر هستم، رفتار بچه‌ها عوض می‌شود».
۱۳. افراط و تغیریط در پاسخ‌دهی به نیازهای فرزندان از راهبردهایی است که والدین برای جبران فرزندپروری به کار می‌برند؛ برآورده کردن بیش از حد نیازهای فرزندان بدون اینکه هیچ انتظاری از آنان داشته باشند یا بر عکس بتوانند احساس رضایت از والدیون را کسب کنند.
۱۴. برخی از والدین از دخالت اقوام و بستگان درجه اول در نوع انتخاب روش فرزندپروری خود شکایت می‌کنند؛ به خصوص بستگان درجه اول که ممکن است نظرات و دخالت‌های آنان اقدار والدین را خدشه دار کنند؛ مانند علی که گفت: «پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها خیلی در تربیت ما دخالت می‌کنند».



۱۰. مشکلات جسمانی یا معلولیت‌هایی که فرزندان درگیر آن هستند، باعث شد بیشتر به او توجه کنم».
۱۱. انتظاراتی که والدین از فرزندان دارند، باعث می‌شود رابطه با فرزندان صمیمی یا سرد باشد. اگر انتظار داشتن به قدری سخت باشد که به توانایی و نیازهای فرزند توجه نشود، صمیمیت بین والد-فرزند کنند؛ به طور مثال فاطمه گفت: «پسرم لکنت زبان دارد و همین موضوع

دینی با میران مذهبی بودن والدین نشان داد، میانگین نمرات جهتگیری مذهبی درونی مادر در سبک تربیتی مقدرانه در مقایسه با سایر سبکها بیشتر است (۲۳). به علاوه در همسویی با یافته مذکور پژوهش حاضر می‌توان پژوهش هوروت و سایدبوهار را درباره تأثیر دین بر زندگی خانوادگی نوجوانان در انگلستان نام برد که مشخص شد، مذهبی بودن والدین در فرزندان نوجوان آن‌ها تأثیر می‌گذارد و دین بخش جدایی‌ناپذیر زندگی والدین آن‌ها به شمار می‌آید (۲۴). نتایج پژوهش غلامی جلیس درباره برسی نقش جهتگیری مذهبی والدین در سبک فرزندپروری و خشونت خانوادگی نشان داد، والدینی که جهتگیری مذهبی بیشتری دارند، در تربیت فرزندان خود از سبک مقدرانه استفاده می‌کنند (۲۵). شهسواری دریافت، سبک‌های فرزندپروری می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... باشد؛ بنابراین باید پذیرفت که رفتارهای فرزندپروری ممکن است به دلیل فرهنگی و قومیتی و اقتصادی تغییر کند (۲۶). وفا نژاد و همکاران در تحقیق مروری نشان دادند، عوامل روان‌شناسخانه مؤثر بر سبک فرزندپروری به دو عامل تقسیم می‌شود. عوامل مرتبط با والدین (وضعیت روانی، خودکارآمدی، استرس والدین، کمال‌گرایی، ویژگی‌های شخصیتی، آسیب‌های دوران کودکی، رضایت زناشویی، سبک دل‌بستگی والدین، سبک فرزندپروری ادراکشده و سوءصرف ماده)؛ عوامل مربوط به کودکان (ناتوانی رشدی و ذهنی کودک، خُلُق و خوشی کودک و اضطراب) (۲۷).

نتایج پژوهش مشخص کرد، ویژگی‌های شخصیتی والدین از عوامل تأثیرگذار بر فرزندپروری والدین است. والدین با توافق بیشتر، بروگ‌گرایی، وظیفه‌شناسی و پذیرای تجربیات جدید، با روان‌نچورخوبی کمتر، صمیمی‌تر، سازمان‌یافته‌تر و پایدارتر هستند. همچنین در مقابل فرزندان خود پاسخ‌گویی بیشتری دارند (۲۸). در بررسی برگ-نیلسن و همکاران، مادران مبتلا به افسردگی و اضطراب، همچنین والدین با اختلالات شخصیتی خاص، سبک والدینی دارند که غالب با جنبه‌های منفی‌گرایی مشخص می‌شود (۲۹). در بررسی سیستماتیک کریستین مشخص شد، افسردگی و اضطراب با مشکلات رابطه‌الد-کودک و تعاملات ضعیف والدین-کودک ارتباط مستقیم دارد (به نقل از ۲۸). در بررسی فراتحلیلی توسط وندر بروگن و همکاران، مشخص شد که ارتباط بین اضطراب کودک و کنترل والدین ناشناخته است. تاریخچه تکامل والدین و نحوه تعامل والدین با والدین خود نیز می‌تواند بر نحوه رفتار آن‌ها با فرزندانشان در آینده تأثیر بگذارد. اگر والدین در این روابط قبلی دچار اختلال روانی شده باشند، توانایی فرزندپروری آن‌ها می‌تواند تحت تأثیر نامطلوب قرار گیرد (۳۰). والدینی که در دوران کودکی خود عشق را تجربه می‌کنند و باستگی ایمن به والدین خود دارند، می‌توانند فرزندپروری مثبت‌تری را در بزرگسالی برای فرزندان خود نشان دهند؛ درحالی‌که دل‌بستگی‌های نایمی ممکن است یک عامل خطر برای فرزندپروری آینده باشد و ظرفیت‌های فرزندپروری مثبت آن‌ها را کاهش دهد. به علاوه مطالعات نشان داد، چگونه آسیب‌های دوران کودکی و نیز آزار جسمی و جنسی

کاهش می‌یابد؛ به طور مثال زهره گفت: «فرزنندم باید تمام قوانین خانه را قبول و رعایت کند تا در آینده هم بتواند به قوانین احترام بگذارد».

۱۲. مسائلی که بر فرزندپروری والدین تأثیرگذار است و والدین به آن‌ها آگاه نیستند، اغلب باعث بوجود آمدن احساس گناه در والدین می‌شود؛ زیرا خود را مقصراً شرایط نابسامان فرزندان یا مشکلات بوجود آمده می‌دانند؛ به طور مثال سمیه گفت: «در رابطه با دخترم احساس گناه می‌کنم؛ چون از او خیلی فاصله گرفتم».

شکل ۱ (مدل پارادایمی تحقیق)، فرایندها و فعالیت‌هایی را نشان می‌دهد که در بستر مطالعه رخ داد. مدل پارادایمی شامل قسمت‌های مختلفی مانند شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها بود. همچنین پدیده مرکزی در میانه مدل قرار داشت و فعالیت‌ها و جریان فرایندها حول آن شکل گرفت. پویایی‌های این پژوهش مشخص کرد، پدیده مرکزی «احساس ناشایستگی از والدین» است؛ یعنی عواملی که بر سبک فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد، احساس ناشایستگی را در والدین به وجود می‌آورد و این مضمون منجر به شکل‌گیری احساس گناه در والدین می‌شود.

۴ بحث

در پژوهش حاضر برسی عوامل تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری با روشن کیفی صورت گرفت. اساس کار در این تحقیق براساس گرندتئوری بود که داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاری ایافته جمع‌آوری شد و در پنج مرحله عوامل مؤثر در قالب مدل گرندتئوری استخراج گردید. مطالعات گراندنتئوری، خود به نظریه منجر می‌شوند. مدل پارادایمی پژوهش حاضر درواقع تئوری استخراج شده از میدان پژوهش بود؛ البته این تئوری و این مدل نظری تفاوت ماهوی با نظریه‌های موجود در دنیای علمی دارد. این تئوری‌ها همان‌طوره که در پژوهش حاضر مشخص بود، داده‌بیناد و کوچک‌مقیاس است و براساس توصیف مبدعان این روش یعنی کوربین و استراوس (۲۲) ساخته شده‌اند^۱ به شمار می‌روند؛ یعنی نظریه تجربی بوده و از دل داده‌ها بروان آمده است؛ نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه با والدین نشان داد، از نظر والدین دوازده مضمون می‌تواند بر سبک فرزندپروری ادراکشده والدین، جهتگیری مذهبی والدین، تعارضات زناشویی، دخالت اقوام، پاسخ‌دهی والدین، ارزش‌ها، نقش پدر، شرایط اقتصادی، آسیب‌های دوران کودکی، ویژگی‌های شخصیتی، مشکلات جسمی، احساس گناه و انتظارات والدین است. با توجه به گرندتئوری، دو مضمون برای شرایط علی، چهار مضمون برای شرایط زمینه‌ای، پنج مضمون برای شرایط مداخله‌گر، یک مؤلفه برای راهبردها و یک مؤلفه برای پیامدها استخراج شد.

نتایج پژوهش مشخص کرد، جهتگیری مذهبی والدین یکی از عواملی است که بر سبک فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد. همچنین، مذهبی بودن والدین بر کیفیت روش‌های تربیتی آن‌ها اثرگذار است و به پرورش فرزندان پاک و سالم در دامان خانواده‌ای سالم منجر می‌شود. پژوهش‌های همسویی چون بررسی رابطه سبک‌های تربیتی و تربیت

1. Substantive

این نظریه، تجربه آزارگری در دوران کودکی در سینم تحول، مانع کسب و فراگیری نقاط عطف مهم تحولی خواهد شد. در آزارگری دوران کودکی، از آنچاکه فرد به طور دائم مجبور است خُلق منفی مکرر خود را مدیریت کند، ظرفیت فرد برای تنظیم مؤثر هیجاناتش به شدت کاهش می‌یابد. نکته دیگر این است که در آزارگری، به جای اینکه فرد بتواند هیجانات خود را به خوبی الگوگیری و ابراز کند، هیجانات نادیده گرفته می‌شود و حتی ممکن است جلوی آن‌ها گرفته و فرد برای ابراز آن تبیه شود؛ درنتیجه توانایی کودک به منظور بیان و توصیف و تفسیر هیجاناتش به خطر می‌افتد و هیجانات منبع ناشناخته‌ای که ممکن است باعث پریشانی شوند، انگاشته می‌شوند (۳۶). در چنین حالتی فرد در طول دوره تحولی خود فرصتی برای شناسایی هیجانات و خواسته‌ها و توانایی‌های خود پیدا نمی‌کند. این مسئله ممکن است سبب شود این افراد در بزرگسالی به هیجانات خود توجه نداشته باشند و درنتیجه نمی‌توانند به درک و تصور درستی از خود دست یابند؛ درنتیجه در دوره شکل‌گیری هویت فرصتی برای شناخت خود پیدا نخواهند کرد.

در تبیین یافته پژوهش مبنی بر تأثیر مراقبت‌های زناشویی بر سبک فرزندپروری والدین می‌توان گفت، زمانی که والدین وقت کمتری را برای رسیدگی به فرزندان داشته باشند، موجب می‌شود از نیازها و خواسته‌های فرزندشان غافل بمانند و نظارت و آگاهی آن‌ها درباره امور فرزندان نیز کمتر شود. همچنین یافته‌های پژوهش‌گردنی نشان افت تحصیلی منجر می‌شود. همچنین یافته‌های پژوهش‌گردنی نشان داد، وقتی تعارض زناشویی زیاد باشد، فرزندان باور می‌کنند که میزان آگاهی والدینشان از وضعیت آن‌ها کم است. این ادراک باعث می‌شود فرزندان احساس کنند دارای قابلیت‌های ضعیفی هستند و والدین به آن‌ها اعتقادی ندارند؛ از این‌رو این عقیده فرزندان که والدین از وضعیت آن‌ها بی‌خبر هستند، نوعی احساس ناقانی و بی‌کفایتی را به همراه دارد و سبب می‌شود آن‌ها نگرش مثبت و انگیزه‌کافی نداشته باشند (۳۷). براساس نتایج پژوهش، شرایط اقتصادی خانواده در تعیین سبک‌های فرزندپروری والدین تأثیر داشت. درخصوص شرایط اقتصادی خانواده می‌توان به ابعاد آن شامل اقتصاد خانواده و مدیریت‌کردن اقتصاد خانواده توسط والدین، اشاره کرد. در زمینه تأثیر اقتصاد خانواده در روش تربیتی والدین پژوهشی وجود نداشت که به طور مستقیم به این مسئله پرداخته باشد؛ اما تلاش شد پژوهش‌هایی که تا اندازه‌ای به موضوع پژوهش نزدیک است برای پیشینه استفاده شود؛ به گونه‌ای که می‌توان در همسویی به نتایج این پژوهش‌ها اشاره کرد: نتایج پژوهش عزیزی و همکاران در ارتباط با فقر اقتصادی و کج رفتاری اجتماعی جوانان شهر تهران و شمیرانات مشخص کرد، بین فقر اقتصادی و کج رفتاری به صورت غیرمستقیم رابطه معناداری وجود دارد (۳۸)؛ نتایج مطالعه مربوط به سلامت کودکان با سطح اقتصادی والدین مؤلفه‌های مربوط به نتایج پژوهش سالیس و گلانز به خصوص مادران مرتبط است (۳۹)؛ نتایج پژوهش سالیس و گلانز نشان داد، درآمد خانواده بر محیط‌هایی که کودکان در آن زندگی می‌کنند و بسیاری از عواملی که به رشد مشیت کمک می‌کنند، از جمله دسترسی به غذای سالم، فضاهای امن، مراقبت‌های پزشکی و مراقبت و

و عاطفی در دوران کودکی، می‌تواند سبک‌های فرزندپروری را در آینده شکل دهد. تجربه این آسیب‌ها به طور مشابه منجر به آسیب‌های عاطفی و اجتماعی و اختلال در تعاملات والدین و فرزند می‌شود و درنتیجه والدین را قادر به اتخاذ سبک‌های فرزندپروری منفی می‌کند (۲۷). تحقیق بایلی و همکاران نشان داد، مشکلات رفتاری فرزندان ارتباط تنگاتنگی با مشکلات روانی والدین دارد. هرچه مشکلات روانی والدین شدیدتر باشد ظهور مشکلات فرزندان سریع‌تر خواهد بود (۳۱). کریج و همکاران دریافتند، چنانچه مادری دچار افسردگی شدید یا اختلال وحشت باشد، کودک احتمالاً دچار مشکلات رفتاری هیجانات خواهد شد (۳۲). در تحقیقی محمد اسماعیل و موسوی به این نتیجه رسیدند، مادری که دارای روحیه‌ای ضعیف است احساس درمانگی می‌کند و دچار احساس خشم و افسردگی می‌شود و همین حالات در فرزند به طور مستقیم تأثیرگذار خواهد بود (۳۳). همچنین مادران پرسترس ممکن است توانایی مراقبت‌های لازم را برای رشد عاطفی و اجتماعی و شناختی کودکان نداشته باشند و همین امر بر سبک فرزندپروری آن‌ها تأثیر بگذارد (۳۴). در همین رابطه نتایج پژوهش ولچ و لیپری نشان داد، کیفیت روابط والدین و فرزند در تعامل والد- فرزند نقش مهمی دارد (۳۵).

همچنین براساس نتایج پژوهش حاضر، نقش پدر در خانواده و درگیری و مشارکت پدر با فرزندان یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر سبک فرزندپروری والدین بود. درباره اینکه چگونه پدریودن با مادرشدن تفاوت دارد و چگونه رفتار هریک از والدین بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد، بحث‌های زیادی وجود دارد (۲۷). اخیراً سابر^۱ و همکاران روی فرایندهای پویا و متقابل متوجه شدند که توسط آن‌ها پدران بر رشد کودک تأثیر می‌گذارند. آن‌ها در گسترش الگوی خود به فرایندهای تحت تأثیر قرار گرفتن فرزندان از پدران و به تفاوت پدریودن با مادریودن اشاره کردند (به‌نقل از ۹)؛ برای مثال، پدران در تعامل با فرزندانشان با مادران متفاوت هستند؛ زیرا پدران بیشتر احتمال دارد فرزندان خود را اذیت کنند، درگیر بازی‌های خشن و تند و زنده شوند، فرزندان خود را تشویق به انجام کارهای پرخطر کنند و مانع بسیاری از فعالیت‌های شیرخواران خود شوند (۳).

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، آسیب‌های دوران کودکی که والدین تجربه کردن از دیگر متغیرهایی بود که فرزندپروری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از نظر فروید، مراحل رشد بلوک‌های ساختمان دوران کودکی هستند و دوران کودکی مرحله‌ای از زندگی است که سازوکارهای ابتدایی درون رفتار کودک طراحی می‌شود و به تدریج و با گذشت زمان شایستگی مشارکت در فعالیت‌های روزمره را کسب می‌کند و در آخر تبدیل به یک بزرگسال می‌شود. از نظر فروید مراحل رشد روانی جنسی، شخصیت فرد و رشد آن را شکل می‌دهد. تجارب افراد در خلال دوران کودکی و نوجوانی، مسیر رفتار آینده آن‌ها را تعیین می‌کند (به‌نقل از ۳۵). در تبیین این مسئله می‌توان به مدل نظریه کیچتی و لینچ درباره ضریبهای روانی دوران کودکی اشاره کرد. این نظریه بیان می‌کند چگونه عوامل خطرنا، در دوران کودکی نظیر آزارگری هیجاناتی و جنسی و فیزیکی، به تأثیرات درازمدت در فرد منجر می‌شود. طبق

^۱. Cabrera

آموزش با کیفیت بالا تأثیر می‌گذارد (۴۰).

براساس نتایج پژوهش، وجود فرزندانی با مشکلات جسمی در خانواده باعث می‌شود والدین سبک فرزندپروری خود را در ارتباط با این فرزندان تغییر دهند. به عبارت دیگر ترحم و دلسوزی و توجه بیشتری به آن‌ها خواهد داشت که این امر خود می‌تواند آسیب‌رسان باشد. میزان آسیب‌پذیری خانواده در مقابل این مشکلات گاه به حدی است که وضعیت سلامت روانی خانواده چار آسیب شدیدی می‌شود؛ از جمله احساساتی مثل گناه و تقصیر و ناکامی ناشی از عادی‌بودن کودک می‌تواند سبب گوشه‌گیری مادر و علاقه‌مندانش به برقراری رابطه با محیط و احساس خود کم‌بینی، بی‌ازشی، غم و اندوه، بروز افسردگی و در کل دستخوش هیجانات منفی مختلفی شود (۴۱).

عواملی که بر سبک فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد، احساس شایسته‌بودن یا ناشایسته‌بودن را در والدین به وجود می‌آورد. اگر والدین در فرزندپروری خود موفق عمل نکنند، احساس شایستگی خواهد داشت. احساس شایستگی، درک والدین از توانایی خود برای ایجاد تأثیرات مثبت بر رفتار و رشد و تکامل فرزند است و باور والدین به اینکه به طور مؤثر می‌توانند وظایف والدی خود را مدیریت کنند (۴۲). احساس شایستگی با گرمی و صمیمیت والد با کودک و مسئولیت‌پذیری آن‌ها ارتباط دارد. برای اینکه والدین بتوانند مراقبت و حمایت کافی از کودک خود به عمل آورند، باید از آرامش روحی برخوردار باشند؛ بنابراین اگر زمینه و بستر مناسب برای زندگی فراهم شود، والدین احساس شایستگی بهتری خواهد داشت (۴۳).

احساس شایسته‌بودن از والدگری باعث می‌شود احساس گناه در رابطه با فرزندان شکل بگیرد و والدین خود را پدر یا مادر خوبی برای فرزندانشان ندانند؛ به طور مثال اسلوبی‌بینی و همکاران دریافتند، احساس گناه در رابطه با فرزندان پیش‌بینی‌کننده شیوه‌های فرزندپروری است و خود تحت تأثیر حمایت افراطی والدین یا کنترلگری بیش از حد قرار دارد. (۴۴).

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

دردسترس بودن

داده‌ها و مواد داده‌های پژوهش در پیوست رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهروд، دردسترس است.

تضاد منافع

نویسنده‌گان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافعی ندارند.

منابع مالی

این پژوهش با حمایت مالی سازمان یا نهادی انجام نشده و هزینه‌های آن توسط نویسنده‌گان مقاله تأمین شده است.

مشارکت نویسنده‌گان

باتوجه به اینکه مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است، نویسنده اول (دانشجو) با همراهی و راهنمایی‌های اساتید راهنمای و مشاور کل پژوهش را انجام داد.

References

1. Carr A. Family therapy and systemic interventions for child-focused problems: the current evidence base: child-focused problems. J Fam Ther. 2019;41(2):153–213. <https://doi.org/10.1111/1467-6427.12226>
2. O'Connor TG, Scott S. Parenting and outcomes for children. London: Joseph Rowntree Foundation; 2007.

3. Cobb-Clark DA, Salamanca N, Zhu A. Parenting style as an investment in human development. *J Popul Econ.* 2019;32(4):1315–52. <https://doi.org/10.1007/s00148-018-0703-2>
4. Becher ST. Adolescents' self-efficacy toward healthy lifestyle behaviors after attending a school-based intervention course focused on physical activity and healthy eating [PhD dissertation]. [Ohio, US]: The Ohio State University; 2009.
5. Noohi S. Asar bakhshi amoozesh jame farzand parvari salamat mehvar be madaran daraye sabke valedgari sahl gir va sakht gir rooye ertegeha shakhes haye salamat koodakan fozoon vazn [The effectiveness of comprehensive health-oriented parenting training for mothers with permissive and strict parenting styles on improving the health indicators of overweight children] [PhD dissertation]. [Tehran, Iran]: Islamic Azad University of Tehran; 2014. [Persian]
6. Davies PT, Coe JL. Family relationship dynamics: a developmental perspective. In: Fiese BH, Celano M, Deater-Deckard K, Jouriles EN, Whisman MA; editors. *APA handbook of contemporary family psychology: foundations, methods, and contemporary issues across the lifespan* (Vol 1). Washington: American Psychological Association; 2019. <https://doi.org/10.1037/0000099-010>
7. Abedini Baltork M, Mir Shamsi FS. Correlation between resilience and mental health with lifestyle and parenting styles of veterans' spouses a case study of Ardakan city. *Iran J War Public Health.* 2019;11(3):161–7. [Persian] <http://dx.doi.org/10.29252/ijwph.11.3.161>
8. Parcham A, Fatehi Zadeh MS, Allah Yari H. Moghayeseye sabk haye farzand parvari Bamring ba sabk farzand parvari masoolane dar Islam [Comparison of the parenting styles of good parenting with the responsible parenting style in Islam]. *Research in Islamic Education Issues.* 2011;20(14):115–38. [Persian] https://iej.ihu.ac.ir/article_200808.html?lang=en
9. Doinita NE, Maria ND. Attachment and parenting styles. *Procedia Soc Behav Sci.* 2015;203:199–204. <http://dx.doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.08.282>
10. Lungarini A. Parenting styles and their relationship with anxiety in children [Thesis for MSc]. [Rhode Island, United States]: University of Rhode Island; 2015.
11. Baumrind D. Effective parenting during the early adolescent transition. In: Cowan PA, Hethrington EM; editors. *Family transition.* Hillsdale, NJ: Lawrence Earlbaum Associate; 1991.
12. Refahi Z, Taheri M. Predicting mothers' parenting styles based on their early schemas and attachment styles. *Woman & Society.* 2019;10(37):167–96. [Persian] https://jzyj.marvdash.iau.ir/article_3400.html?lang=en
13. Kloep M. When parents discuss the price of bread: Albanian children and the economic crisis. In: Best J; editor. *Troubling children: studies of children and social problems.* New York: Treansaction Publishers; 1994.
14. Agbaria Q, Mahamid F, Veronese G. The association between attachment patterns and parenting styles with emotion regulation among Palestinian preschoolers. *SAGE Open.* 2021;11(1):215824402198962. <https://doi.org/10.1177/2158244021989624>
15. Cole PM, Lougheed JP, Ram N. The development of emotion regulation in early childhood: a matter of multiple time scales 1. In: Cole PM, Hollenstein T; editors. *Emotion regulation: a matter of time.* First edition. Routledge; 2018.
16. Gorostiaga A, Aliri J, Balluerka N, Lameirinhas J. Parenting styles and internalizing symptoms in adolescence: a systematic literature review. *Int J Environ Res Public Health.* 2019;16(17):3192. <https://doi.org/10.3390/ijerph16173192>
17. Mishra P, Kiran UV. Parenting style and social anxiety among adolescents. *Internat J Appl Home Sci.* 2018;5(1):117–23.
18. Bryant RA, Edwards B, Creamer M, O'Donnell M, Forbes D, Felmingham KL, et al. The effect of post-traumatic stress disorder on refugees' parenting and their children's mental health: a cohort study. *Lancet Public Health.* 2018;3(5):e249–58. [https://doi.org/10.1016/s2468-2667\(18\)30051-3](https://doi.org/10.1016/s2468-2667(18)30051-3)
19. Moltafet G, Sadati Firoozabadi SS, Pour-Raisi A. Parenting style, basic psychological needs, and emotional creativity: a path analysis. *Creativity Research Journal.* 2018;30(2):187–94. <https://doi.org/10.1080/10400419.2018.1446748>
20. Zhong X, Wu D, Nie X, Xia J, Li M, Lei F, et al. Parenting style, resilience, and mental health of community-dwelling elderly adults in China. *BMC Geriatr.* 2016;16(1):135. <https://doi.org/10.1186/s12877-016-0308-0>
21. Zarenejad H, Belaghate SR. Rabeteye beyn tipe shakhsiasi valedeyn ba sabk farzand parvari anan [The relationship between parents' personality type and their parenting style]. In: National Conference on Psychology and Social Damage Management [Internet]. Tehran; 2014. [Persian]
22. Corbin J, Strauss A. *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory.* California, United States: SAGE Publications, Inc.; 2008. <https://dx.doi.org/10.4135/9781452230153>
23. Heidari M, Dehghani M, Khodapanahi MK. Investigating the effect of perceived parenting style and gender on self-impairment. *Family Research.* 2009;5(2):125–37. [Persian] https://jfr.sbu.ac.ir/article_95463.html?lang=en

24. Horwath J, Lees J, Sidebotham P. The influence of religion on adolescent family life in England: an explanatory study of the views of young people and parents. *Social Compass.* 2012;59(2):257-75. <http://dx.doi.org/10.1177/0037768612440967>
25. Gholami Jalise S. Barrasi jahatgiriye mazhabi valedeyn dar sabkhaye farzandparvari va khoshunat khanevadegi [Investigating the role of parents' religious orientation in parenting styles and family violence]. [Thesis for MSc]. [Tehran, Iran]: University of Tehran; 2007. [Persian]
26. Shahsavari M. A general overview on parenting styles and its effective factors. *Aust J Basic Appl Sci.* 2012;6(8):139-42.
27. Vafaeenejad Z, Elyasi F, Moosazadeh M, Shahhosseini Z. Psychological factors contributing to parenting styles: a systematic review [version 2; peer review: 1 approved, 2 not approved]. F1000Research. 2020;7:906.
28. Dickson E, Agyemang CB, Afful J. Parental personality and parenting style: a Ghanaian perspective. *Developing Country Studies.* 2014;4(5):116-28.
29. Berg-Nielsen TS, Vikan A, Dahl AA. Parenting related to child and parental psychopathology: a descriptive review of the literature. *Clin Child Psychol Psychiatry.* 2002;7(4):529-52. <https://doi.org/10.1177/1359104502007004006>
30. Van Der Bruggen CO, Stams GJGM, Bögels SM. Research review: the relation between child and parent anxiety and parental control: a meta-analytic review. *J Child Psychol Psychiatry.* 2008;49(12):1257-69. <https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2008.01898.x>
31. Bailey HN, DeOliveira CA, Wolfe VV, Evans EM, Hartwick C. The impact of childhood maltreatment history on parenting: a comparison of maltreatment types and assessment methods. *Child Abuse & Neglect.* 2012;36(3):236-46. <https://doi.org/10.1016/j.chab.2011.11.005>
32. Craig SG, Sierra Hernandez C, Moretti MM, Pepler DJ. The mediational effect of affect dysregulation on the association between attachment to parents and oppositional defiant disorder symptoms in adolescents. *Child Psychiatry Hum Dev.* 2021;52(5):818-28. <https://doi.org/10.1007/s10578-020-01059-5>
33. Mohammad Esmael E, Mousavi H S. An investigation on mental health of mothers with behaviorally disordered children. *Journal of Exceptional Children.* 2003;3(2):105-16. [Persian]
34. Decaluwe V, Braet C, Moens E, Van Vlierberghe L. The association of parental characteristics and psychological problems in obese youngsters. *Int J Obes [Lond].* 2006;30(12):1766-74. <https://doi.org/10.1038/sj.ijo.0803336>
35. Welch S, Liperi M. The role of attachment between caregiver and child in oppositional defiant disorder. In: 17th Annual Spfc Research Conference [Internet]. Seattle Pacific University; 2019.
36. Cicchetti D, Lynch M. Toward an ecological/transactional model of community violence and child maltreatment: consequences for children's development. *Psychiatry.* 1993;56(1):96-118. <https://doi.org/10.1080/00332747.1993.11024624>
37. Grundy AM. Parental awareness as a mediator of the relation between marital conflict and adolescent behavior conduct competence [Thesis for MSc]. [Indiana, United States]: University of Notre Dame; 2055.
38. Azizi J, Hedarkhani H, Hojat S. Faghlre eghthesadi va kajraftariye ejtemaiye nojavanan (nemuneye amariye dhahre Tehran va shemiranat) [Economic poverty and social behavior of young people (statistical sample of Tehran and Shemiranat cities)]. In: National Conference on the Pathology of Youth Issues [Internet]. Islamic Azad University, Branch Falavarjan; 2011. [Persian]
39. Bayat Shahparast F, Abbasi K. The effect of economics on health of children. *Pajouhan Sci J.* 2020;18 (3):3-9. doi: [10.52547/psj.18.3.3](https://doi.org/10.52547/psj.18.3.3) [Persian]
40. Sallis JF, Glanz K. The role of built environments in physical activity, eating, and obesity in childhood. *The Future of Children.* 2006;16(1):89-108. <https://doi.org/10.1353/foc.2006.0009>
41. Nazarifar M, Ghaneifar N. Effectiveness of group counseling based on logotherapy on feelings of loneliness and depression of mothers with children with learning disabilities. *Women Interdisciplinary Research.* 2020;(3):19-31. [Persian] <http://wir.fatemiyehshiraz.ac.ir/Article/24276>
42. Afshar K, Kord Tamini B, Kehrazei F. The mediating role of cognitive-emotion regulation strategies in the relationship between theory of mind with negative emotions (anxiety, depression, stress) of parents of exceptional children in mashhad daily rehabilitation centers. *Journal of Cognitive Psychology.* 2018;7(2):1-17. [Persian] <http://jcp.knu.ac.ir/article-1-3148-en.html>
43. Slagt M, Deković M, de Haan AD, van den Akker AL, Prinzie P. Longitudinal associations between mothers' and fathers' sense of competence and children's externalizing problems: the mediating role of parenting. *Dev Psychol.* 2012;48(6):1554-62. <https://doi.org/10.1037/a0027719>
44. Slobodin O, Cohen R, Arden A, Katz I. Mothers' need frustration and controlling parenting: the moderating role of maternal guilt. *J Child Fam Stud.* 2020;29(7):1914-26. <https://doi.org/10.1007/s10826-020-01720-6>